

ترس و تردید همسایگان از خلا
همکاری مشترک منطقوی و شراکت با افغانستان
بعد از سال ۲۰۲۱

اندريو واتکينز، تیمور شاران



FRIEDRICH
EBERT
STIFTUNG

ترس و تردید همسایگان از خلا
همکاری مشترک منطقوی و شراکت با افغانستان
بعد از سال ۲۰۲۱

اندريو واتکينز، تیمور شاران

اپریل ۲۰۲۱

۴	پیشگفتار
۵	مقدمه
۷	مسیر متارکه جنگ و خروج از افغانستان
۷	گرایش آمریکا
۸	تأثیر دومینوی خروج آمریکا
۹	امید یا تردید تحت اداره بایدن
۱۰	مسئولیت های منطقوی
۱۰	نظارت از مرز شمالی
۱۰	استراتژی های جمع صفر در آسیای جنوبی
۱۱	با خروج آمریکا، ایران وارد صحنه میشود؟
۱۲	افزایش مهاجرین و تأثیرات آن
۱۲	پروسه صلح و امتیازگیری؟
۱۳	کاهش خطرات
۱۳	متنوع سازی پورتفولیو همکاری امنیتی کابل
۱۴	ترک روابط دیپلوماتیک
۱۵	مشروطیت برای کاهش خطر
۱۵	چهارچوب های کاری جدید؟
۱۸	نظریات و پیشنهادات برای پالیسی سازان اروپایی
۲۰	منابع

که اختلافات دارای تأثیر منفی بر افغانستان و منطقه را طبقه بندی و کاهش دهند، در عین حال وابستگی های متقابل و عوامل بیرونی نیز مورد بحث قرار گرفتند. تمرکز خاص این پروژه افزایش نمایندگان افغانستان در این بحث ها، ایجاد و تقویت شبکه های پایدار و تفاهم بین کسانی بود که به دنبال صلح و ثبات پایدار به عنوان پیش شرط پیشرفت و رفاه برای همه افغان ها بودند، بوده است.

این گزارش، ترکیبی از خلاصه نه پالیسی است که در مورد تأثیرات خروج آمریکا و مذاکرات در حال جریان صلح افغانستان در مورد ابزارهای موجود پالیسی، منافع استراتژیک و چالش های دست اندرکاران کلیدی در داخل و خارج افغانستان بحث می کند. در ضمن، موضوعاتی همچو "حفاظت کردن"، "مسئولیت" و "مشروطیت" که در دهه گذشته در همه طرف مرزهای افغانستان تعریف مجدد و پالیسی سازی شده است را تعریف و بررسی می کند. بدین ترتیب، به مخاطبان سیاسی به ویژه در خارج از منطقه کمک می کند که در مورد مجموعه امنیتی منطقه در چهار طرف افغانستان بفهمند و پیشنهادات سیاسی آینده در مورد چگونگی پیشبرد تعاملات اروپا در سالهای آتی را طرح کنند. بنیاد فریدریش-ایبرت (FES) از تمام مخاطبینی که نظریات با ارزش شان را شریک نموده اند و تمام کسانی که در این پروژه همکاری کرده اند ابراز سپاس میکند.

ما بسیار زیاد مدیون نویسندگان این گزارش و نشریات قبلی پروژه، آقای اندریو واتکینز و داکتر تیمور شاران هستیم که نظریات، دقت تحلیلی و همراهی آنها از همان مرحله اول این پروژه بسیار زیاد مهم بوده است.

داکتر مگدلینا کرچنر

رئیس مقیم

بنیاد فریدریش-ایبرت FES افغانستان

مارچ ۲۰۲۱

امضای موافقتنامه بین آمریکا و طالبان در ماه فبروری سال ۲۰۲۰ یک لحظه مهم و تاریخی برای روابط بین الملل افغانستان به شمار می رود. در حالیکه برای ناظرین بسیار تعجب آور به نظر نمی رسد و آمریکا سعی میکند، طولانی ترین جنگ اش که یک جنگ بزرگ بوده است را پایان دهد، این موافقتنامه در قسمت کاهش تردید در مورد ماهیت متارکه جنگ، عواقب ناشی از آن، تأثیر آن بر ادامه جنگ توسط سایر متحدین و همچنان امنیت منطقه ای چندین مؤثر نبوده است.

برای تداوم و گسترش حرکت فعلی به نفع یک توافق سیاسی، کنترل قابل اعتبار منطقه ای مهم بوده مگر نباید آن را مسلم دانست و یا آن را به عنوان یک روند دوامدار یا یکنواخت درک کرد. در حالی که وسیعاً اذعان شده است که خروج آمریکا عامل مهمی برای تغییر فضای امنیتی در آسیا است، اما جهت، پیامد و تأثیرات آن بر امنیت منطقه ای تا هنوز چندین واضح به نظر نمی رسد.

حالاتی که همسایگان افغانستان برای خود در نظر دارند یا فرصتهایی که می خواهند از آنها استفاده کنند چیست؟ خروج آمریکا چگونه بر پویایی فعلی اتحاد و اختلاف بین همسایگان افغانستان تأثیر می گذارد؟ حالات مختلف چه تأثیری بر منافع اروپا و پالیسی سازی در منطقه خواهند داشت؟

پروژه "از تردید تا استراتژی: احتمالات سناریوهای بُرد بُرد آینده در همسایگی افغانستان چیست؟" عبارت از سعی و تلاش مستقل بنیاد فریدریش-ایبرت و شرکایش در داخل و خارج افغانستان، در میان آنها گروه پالیسی افغانستان، بحث در مورد سناریوهای احتمالی برای افغانستان، تعدیل پالیسی ها و نیاز به یک استراتژی جامع میان پالیسی سازان خارجی اروپا میباشد. این پروژه نگرانی ها، توقعات، آرزوها و تردید را در بین همسایگان افغانستان و بازیگران اصلی منطقه ای و بین المللی در مورد نتیجه پیش بینی شده مذاکرات بین الافغانی و پویایی اختلافات فعلی و آینده را در طول سال ۲۰۲۰ و اوایل سال ۲۰۲۱ شناسایی کرد.

رویکرد سه جانبه در مورد سوالات فوق به این امر کمک نمود که از بحث اروپا در مورد افغانستان و همسایگان آن آگاهی داده شود و تصمیم گیرندگان افغانستان در مورد مواضع و درک بازیگران اصلی منطقه ای و فرا منطقه ای آگاهی حاصل کنند. در ده برنامه مجازی/آنلاین که بیش از ۱۵۰ مقام فعال و پیشین، کارشناسان و نمایندگان جامعه مدنی در آن اشتراک داشتند، اشتراک کنندگان تشویق شدند

مقدمه

نظر به وقایع سال گذشته این گزارش موضوعی تلفیقی از یافته های پروژه بررسی سناریو سازی و پالیسی سازی برای افغانستان، کشورهای منطقه و همچنان تعامل اتحادیه اروپا و ترانس آتلانتیک (یا ناتو) در ارتباط با خروج نظامی پیش بینی شده آمریکا و کاهش کمکهای آمریکا در آینده میباشد. این پروژه گفتگوها میان مجموعه متنوعی از مقامات فعال و پیشین، رهبران افکار سیاسی، دانشمندان و متخصصان موضوعات مرتبط به نه قدرت مختلف که یا همسایه و یا هم شامل مجموعه امنیتی منطقوی افغانستان هستند را تسهیل کرد. این بحث ها، مشوره های تخصصی اضافی و پیشینه تحقیق کامل، زمینه را برای مجموعه ای از ۹ خلاصه پالیسی مساعد کرد که به طور خلاصه رویکردهای کشورهای همسایه در مورد چالش های سیاسی، اقتصادی و امنیتی که احتمالاً در سالهای آینده بر افغانستان و منطقه اثرگذار خواهد بود را بیان میکند.^۱

آمریکا در ماه فبروری ۲۰۲۰ یک موافقتنامه سیاسی را با طالبان امضاء نمود یعنی امضای این موافقتنامه سیاسی با نیروهایی که پایه و اساس خروج نظامی غرب از افغانستان را پس از نزدیک به دو دهه مداخله، دولت سازی و حمایت مالی ایجاد کرد، صورت گرفت. این موافقتنامه (و فعالیت های دیپلماتیک متعاقب عقب نشینی نظامی که تا پایان اداره ترامپ ادامه داشت) منجر به انتقادات زیاد از طرف رهبران افغان بشمول رئیس جمهور غنی، کشورهای کمک کننده، شرکای ناتو و کشورهای منطقه گردید. این وقایع باعث شد که تمام شرکا به طور جدی تأثیر تغییر قابل ملاحظه در ادامه حضور آمریکا را مورد بررسی قرار دهند. این در حالی است که به نظر می رسد اداره بایدن در حال بررسی سلسله ای از گزینه ها برای سیاست افغانستان ایالات متحده است، مسیر وسیع خروج آمریکا محتمل به نظر میرسد، و آینده افغانستان بعد از ۲۰۲۱ پر از تردید و نامشخص خواهد بود.



نقشه سیاسی جنوب غرب آسیا. منبع: mapsland

^۱ کشورها و موسساتی که مورد مطالعه قرار گرفتند عبارت از اتحادیه اروپا (که شامل کشورهای عضو بشکل انفرادی و همچنان چندین کشور غیر اروپایی نیز میگردد)، روسیه، ازبکستان، هندوستان، پاکستان، ترکیه، ایران، چین و آمریکا میباشد. خلاصه این پالیسی ها را در آدرس انترنتی ذیل دیده میتوانید <https://afghanistan.fes.de/e/from-uncertainty-to-strategy>

“

با وجود همه تردیدهایی که در مورد خروج احتمالی آمریکا و دیگر شرکا وجود دارد، لحظه فعلی شاید اولین بار باشد که در آن کشورهای منطقه از زمان مداخله غرب در سال ۲۰۰۱ به اجماع ضمنی در مورد امنیت، ثبات و اتصال اقتصادی رسیده اند.

”

را مطرح کرده است که کدام کشورها می توانند خلای خروج آمریکا را پر کنند، در نتیجه تا چه حد پویایی های منطقه جدیدی پدیدار خواهند شد. اتحادیه اروپا با چند کشور عضو واقعاً نگران ثبات منطقه ای (و تأثیر عدم وجود آن) هستند که برای آنها به یک معضل مبدل گردیده است. اگرچه، این نگرانی ها با انشعاب در منافع آمریکا و نفوذ نابرابر واشنگتن در چارچوب مأموریت ناتو در افغانستان پیچیده به نظر میرسند. اما تردیدهای موجود در این دوره انتقالی نباید قدرت های اروپایی و منطقه ای را از آمادگی در برابر یک سلسله چالش های احتمالی، تشخیص همگرایی احتمالی منافع منطقه ای در افغانستان و تعهد غلبه مشترک بر آنها مانع گردد.



کوتل خیبر در شمال پاکستان. کاپی رایت: جاناناتان ویلسن

دیدگاه ها و ساختارهای تحریک کننده کشورهای همسایه از یکدیگر متفاوت است، اختلافات فاحشی در مورد آینده افغانستان، نحوه تعامل با این کشور و فضای سیاسی متراکم آن و چگونگی غلبه بر چالش هایی وجود دارد که می تواند در سرتاسر منطقه گسترش یابد. برخی از این دیدگاه ها به درک تهدیدات طولانی مدت و تفکر مخرب جمع صفر برمی گردد. به نظر می رسد که سایر ارزیابی ها در ارتباط با تغییر سیاست آمریکا ممکن در چند سال گذشته یا حتی در این اواخر صورت گرفته باشند. این در حالی است که چندین نکته مشترک نیز دیده میشود، بسیاری از کشورها که برای آینده افغانستان سرمایه گذاری کرده اند، نگرانی ها، پیش بینی ها و حتی محدودیت های سیاسی داخلی مشابه با همدیگر دارند. با وجود همه تردیدهایی که در مورد خروج احتمالی آمریکا و دیگر شرکا وجود دارد، لحظه فعلی شاید اولین بار باشد که در آن کشورهای منطقه از زمان مداخله غرب در سال ۲۰۰۱ به اجماع ضمنی در مورد امنیت، ثبات و اتصال اقتصادی رسیده اند.

شاید شایع ترین آن عدم تمایل دولت های منطقه به تعهدی و حتی در برخی موارد پلانگذاری برای سیاست ها در مورد افغانستان است که به آینده دور محول گردیده است. طی دو دهه گذشته، همسایگان افغانستان در واکنش به درگیری نظامی ناتو به رهبری آمریکا و سیاست های ناسازگار و اکثراً مبهم این کشور در مورد افغانستان، وضعیت خود را عیار ساخته اند. کشورهای همسایه همسایه های نزدیک و کشورهای کمک کننده سال گذشته را بیشتر در انتظار مشخص شدن موقف آمریکا و تطبیق آن در افغانستان سپری کرده اند. به عبارت دیگر هر کشوری که درگیر امور منطقه است، احتمالاً سیاست خود را در قبال افغانستان نظر به میزان کاهش حمایت نظامی و مالی آمریکا به گونه دیگری شکل خواهد داد. این وضعیت با توجه به چگونگی دیدگاه منطقه نسبت به افغانستان نظر به منشور درگیری نظامی ناتو به رهبری آمریکا در دو دهه گذشته، قابل پیش بینی است. احتمال عقب نشینی آمریکا نگرانی ها و بحث ها مرتبط به سیاست های اولیه در مورد عدم همکاری سایر شرکا را برانگیخته است. به همین ترتیب، این کار سبب گردیده است که یک تعدادی از کشورها میخواهند که از طریق مجراهای دیپلماتیک با طالبان و سایر دست اندرکاران افغان، خطرات متوجه آنها بعد از خروج نظامی آمریکا را کاهش دهند.

همه موارد فوق نیاز قدرت های منطقه ای برای ایجاد چارچوب های جدید اقتصادی، دیپلماتیک و امنیتی را آشکار می سازد، که گفتگوهای رسمی و صحبت در مورد آنها باید در اسرع وقت آغاز گردد. واکنش بازیگران خارجی به سیاست آمریکا این سوال

مسیر متارکه جنگ و خروج از افغانستان

گران‌ش آمریکا

در نیمه دوم سال ۲۰۱۸، آمریکا سیاست خود را با انشعابات و تبعات گسترده برای افغانستان و منطقه اطراف آن آغاز کرد. آمریکا پس از نزدیک به یک دهه تلاش برای کشاندن طالبان به مذاکرات صلح، یک امتیاز مهم به دست آورد: نشست با گروه شورشی برای گفتگوهای دو جانبه بدون شامل نمودن کابل که یک پیش شرط بود. سایر کمک کنندگان، از جمله شرکای ناتو نیز به همین ترتیب شامل نگردیده و بسیار کم در این مورد برایشان آگاهی داده می‌شد. پس از بیش از یک سال مذاکره مستقیم، آمریکا و طالبان در ماه فیبروری سال ۲۰۲۰ به یک توافق سیاسی رسیدند. این توافق پیرامون یک جدول زمانی بود که وعده خروج نظامی خارجی را می‌دهد و شامل نیروهای تمام کشورهای عضو مأموریت ناتو نیز می‌گردد. در عوض، طالبان تعهد کردند، گروه‌های تروریستی که آمریکا و متحدانش را تهدید می‌کنند را میزبانی نکرده یا از آنها حمایت نکنند و مذاکرات را با دولت افغانستان آغاز کنند.

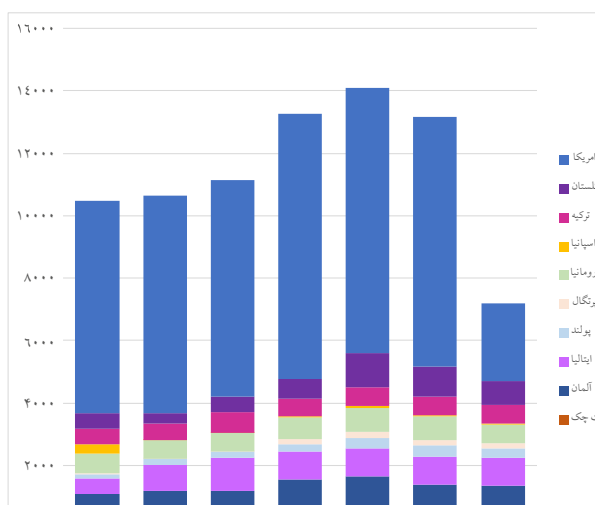
دو طرف افغان درگیر جنگ مذاکره را از سپتامبر ۲۰۲۰ به این طرف آغاز کرده اند. با این حال، آنها تاکنون فقط بر مقررات و طرزالعمل های مقدماتی بسیار به کندی به موافقه رسیده اند- این در حالی است که خشونت در سرتاسر کشور ادامه داشته و عواقب مهلکی برای غیرنظامیان دارد که این خاصیت شامل حملات هدفمند به خبرنگاران، فعالان جامعه مدنی، قضات، وکلا و علمای دین می‌گردد. همزمان، جدول زمانی توافق ایالات متحده و طالبان برای خروج نظامی، با هدف

رسیدن تعداد نظامیان به صفر الی آخرین روز ماه اپریل ۲۰۲۱ نیز به سرعت در حالت نزدیک شدن است.

تمام این پیشرفت ها در حالی صورت گرفته اند که ضرب الاجل توافق آمریکا و طالبان برای خروج نیروهای خارجی در حال نزدیک شدن است، طوریکه در اول ماه می سال ۲۰۲۱ این مهلت به پایان می‌رسد. سرانجام بایدن رئیس جمهور آمریکا در ۱۴ اپریل ۲۰۲۱ چیزی را که بسیاری از مردم در جریان یک سال گذشته حدس زده و پیشبینی کرده بودند را تایید کرد: آمریکا نه تنها اینکه نیروهای باقیمانده اش را (در هماهنگی با شرکای مأموریت ناتو) خارج می‌سازد، بلکه این کار را بدون قید و شرط الی ماه سپتامبر انجام می‌دهد.

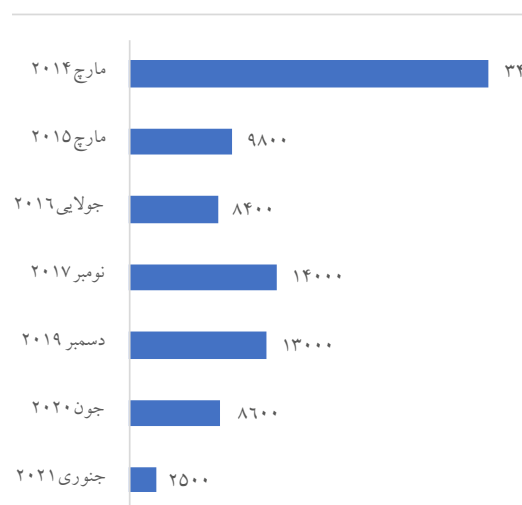
از ابتدا، صداهایی در داخل افغانستان، در میان شرکای ناتو، سایر کشورهای بزرگ کمک کننده و متحدان شان، و حلقهات سیاست خارجی آمریکا از این رویکرد آمریکا انتقاد کرده اند. آنها استدلال می‌کنند که این کار اهرم فشار را از دولت افغانستان گرفته و آن را مجبور به مذاکره با متقبل شدن ضرر آشکار می‌کند، از طرف دیگر این عمل باعث افزایش اعتبار بین المللی و مشروعیت طالبان می‌گردد. حتی مدافعان این رویکرد آمریکا در مورد چارچوب یک توافق سیاسی در سال ۲۰۲۰ ابراز نگرانی کردند، زیرا ترامپ به نیروهای نظامی دستور داد که به یک سلسله خروج های پی در پی ادامه دهد (از ۱۳۵۰۰ به ۸۶۰۰ سرباز آمریکایی، سپس به ۴۵۰۰ و در نهایت به ۲۵۰۰ تا ماه جنوری ۲۰۲۱) با وجود این شواهد، طالبان هنوز به برخی از تعهدات اصلی خود در توافق با آمریکا عمل نکرده اند.

شکل ۱. همکاری های عساکر کشورهای عضو ناتو ۲۰۲۱-۲۰۱۵ (انتخاب)، مأموریت حمایت قاطع



منبع: ناتو

شکل ۲. تعداد نیروی های آمریکایی در افغانستان (۲۰۲۱-۲۰۱۴)



منبع: AP، سیگار، رویترز

ترس و تردید همسایگان از خلا: همکاری مشترک منطقوی و شراکت با افغانستان بعد از سال ۲۰۲۱

که بسیاری از کشورهای کمک کننده در مورد لغو یا تعویق کنفرانس تا سال ۲۰۲۱ (احتمالاً زمانی که شرکا درک بهتری از جهت گیری طولانی مدت سیاست آمریکا در مورد افغانستان و در نتیجه احساس خودشان داشتند) بحث میکردند. اگرچه در نهایت این کنفرانس برگزار شد ولی بر خلاف نگرانی ها کاهش چشمگیری در تعهدات کشورهای کمک کننده دیده نشد، دوره چهار ساله تعهد این کشورها به سه سال کاهش یافت، در حالی که آمریکا و انگلیس کمک هایشان را به یک سال کاهش دادند (تمدید آن مشروط به ارزیابی مجدد گردید).

همچنان در مورد حضور نظامی ناتو و اشکال کمک های گسترده نظامی که ملزم به حضور عساکر است نیز تردیدهایی وجود دارد. عدم مشوره آمریکا با شرکای ناتو قبل از رسیدن به توافق سیاسی با طالبان سبب ناامیدی این متحدان گردیده است. اگرچه، علارغم ناامیدی هایی که در بین کشورهای عضو قاطع ناتو ایجاد شد، رهبران کشورهای متحد و سیاستمداران اروپایی یک اصل رهنمودی تحت عنوان "ورود با هم، خروج با هم" را اتخاذ کرده اند. در این میان دیدگاه های مختلف اعضای اتحادیه اروپا و ناتو در مورد آینده مطلوب کمک های امنیتی در افغانستان، عدم امکان اجرای عملیات پیچیده ناتو بدون همکاری آمریکا (و چتر امنیتی که نیروهای آمریکایی ارائه میکنند) یک عامل تعیین کننده و محدود کننده به نظر می رسد. فرض کنید آمریکا به مسیر فعلی خود یعنی کاهش حضور نظامی تا زمان کامل خروج خود ادامه دهد. در اینصورت، ناتو بدون در نظر داشت ترجیحات سیاست کشورهای عضو، چاره ای جز پیروی از آن نخواهد داشت.

افزایش تردیدها در مورد جدول زمانی نظامی آمریکا/ناتو و خروج غرب سبب ایجاد سردرگمی، نگرانی و تغییرات سریع در بین کشورهای همسایه افغانستان و بازیگران منطقوی شده که منجر به پیچیدگی "مجموعه امنیت منطقوی" گردیده است. به عنوان مثال، روسیه، ایران و چین همه وارد یک تعامل صریح و رسمی دیپلماتیک با طالبان گردیده اند (تعاملات رسمی خود را با تعاملات آرام و پشت پرده که برای چندین سال جریان داشته، یکجا نموده است). روسیه حتی یک کنفرانس صلح

در عین زمان، آمریکا اشاراتی به دولت افغانستان داشته است که این کشور بیشتر از هر وقت دیگر از سال ۲۰۰۱ میلادی به این سو خواهان کاهش تعهدات مالی خود خاصا کاهش وجوه برای تمویل قوای امنیتی افغانستان میباشد. آمریکا در ماه مارچ ۲۰۲۰، در عکس العمل به بن بست سیاسی پر تشنج در مورد نتایج اختلاف برانگیز انتخابات ریاست جمهوری افغانستان، رهبران سیاسی را تهدید کرد که اگر این اختلافات به سرعت حل نگردند و مقدمات مذاکرات صلح آغاز نشود، یک میلیارد دلار از کمک هایش را کاهش خواهد داد. از طرف دیگر، آمریکا تحکیم قدرت تحت دفاتر ریاست جمهوری توسط دولت افغانستان را درست ندانسته است و سایر انتقادات را به ندرت بطور عمومی بیان نموده است. این شکل انتقادات که تضعیف کننده است، در گزارش های ماه های جنوری و مارچ ۲۰۲۱ به اوج خود رسیده است طوریکه آمریکا پیشنهادات جسورانه ای را برای ایجاد یک دولت موقت به رهبران سیاسی افغانستان و طالبان ارائه داده است.^۲ و با وجود صحبت های آمریکا در مورد شراکت مداوم، تعهد بعد از خروج آنها سوال بر انگیز میشود.

تاثیر دومینوی خروج آمریکا

تمامی موارد فوق الذکر تاثیر دومینویی رو به کاهش را خاصا در میان سایر کمک کنندگان و حامیان دولت افغانستان ایجاد کرده است. طوریکه طی سال گذشته به طور فزاینده ای آشکار شد، اداره ترامپ مصمم است که به طور قابل توجهی انواع حمایت های خود را از کابل کاهش دهد، سایر کمک کنندگان از جمله اتحادیه اروپا بحث در این مورد را آغاز کردند که اکثرا به صورت خصوصی بودند اما با بحث های عمومی که در پارلمان های چندین کشور اروپایی صورت گرفت، ببینیم که چگونه ممکن گزینه های حمایتی آنها در آینده محدود خواهند شد. بعضی از مقامات چندین کشور اظهار داشته اند که در نهایت حتی ممکن است خروج آمریکا (و عدم امکان حفظ وضعیت موجود بدون حمایت آمریکا) را یک پوشش سیاسی قاطع برای کاهش تعهدات شان در نظر بگیرند. در زمان منتهی به کنفرانس جینوا در نوامبر ۲۰۲۰ مشهود بود

۲- بر علاوه طرح های مفصل خلیلزاد برای دولت موقت پیشنهادی که به شدت توسط رئیس جمهور اشرف غنی و مقامات بلندپایه وی مورد مخالفت قرار گرفته بود، وزیر امور خارجه آنتونی بلینکن یک نامه ای صریح به غنی نوشت و وی را تحت فشار قرار داد تا از رویکرد سریع و ترجیحی آمریکا برای صلح پیروی کند. همچنان میتوانیم که به نوشته های توماس گیبونس-نف، دیوید زوجینو و لارا جکس تحت عنوان "آمریکا رئیس جمهور افغانستان را از طریق یک نامه تحت فشار قرار داد تا در کنفرانس صلح تحت رهبری سازمان ملل اشتراک کند" در روزنامه نیویورک تایمز چاپ مورخ ۸ مارچ ۲۰۲۱ نیز مراجعه کنید.

"بین الافغانی" بین طالبان و ده ها سیاستمدار مخالف دولت افغانستان را برگزار نمود که دولت افغانستان آن را یک "خیانت" قلمداد کرد^۳. حتی هندوستان که در این زمینه اضطراب داشته و کاملاً مخالف طالبان نبوده، علناً بحث راجع به محاسن و خوبی های نزدیکی به گروه شورشی را آغاز کرده است. در عین حال پاکستان به عنوان یک پناهگاه تاریخی و حامی طالبان، تعامل عمومی خود را با رهبران مخالف افغانستان افزایش داده است. در اکتوبر سال ۲۰۲۰، اسلام آباد میزبان رقیب اصلی رئیس جمهور غنی و رئیس شورای عالی مصالحه داکتر عبدالله عبدالله، یک زمان رقیب و فعلاً وزیر امور خارجه حنیف اتمر، رئیس ولسی جرگه، و شورشی سابق ضد دولت، گلبدین حکمتیار همه با مراسم های خاص بوده است.

همه موارد فوق تأثیر دلسردکننده ای حتی غیرقانونی جلوه دادن دولت افغانستان را دقیقاً در زمانی که می خواهد مشروعیت خود را در صحنه بین المللی، در دوره های آغازین گفتگوها با طالبان تقویت کند، به میان آورده است. اصطلاح "گفتگوهای بین الافغانی" که توسط آمریکا تشویق و توسط بسیاری از شرکا برای نام نهادن این گفتگوها در سال ۲۰۱۹ و نیمه اول سال ۲۰۲۰ مورد قبول قرار گرفت، اصطلاح ترجیحی طالبان بوده است. این اصطلاح به طالبان اجازه داده است که انکار کنند با دولت افغانستان که هرگز آنرا به رسمیت نشناخته اند، گفتگویی انجام نداده اند. بسیاری از کشورها فراتر از این اصطلاح سخن گفته اند: در اواخر سال ۲۰۲۰، چندین کشور اروپایی علاقمندی خود را برای یک روند صلح متنوع تر در میان رهبران سیاسی افغانستان نشان دادند و بر رئیس جمهور غنی فشار آوردند تا در فضای سازش و رسیدن به صلح داکتر عبدالله و دیگران را نیز شامل سازد. در ماه فبروری ۲۰۲۱، زمانیکه روند تحت رهبری آمریکا متوقف شد، روسیه اعلام کرد که قصد دارد مسیر مذاکرات بین الافغانی را در مسکو از سر بگیرد، این در حالی است که دو سال پیش توسط رئیس جمهور غنی و مقامات وی این کار یک "خیانت" خوانده شده بود.

امید یا تردید تحت اداره بایدن

به نظر می رسد دولت جدید آمریکا در حال تغییر مسیر سیاست آغاز شده توسط ترامپ و مقامات بلند پایه وی است، و هنوز هم ممکن است حمایت غرب (نظامی، مالی و غیره) از دولت محاصره شده افغانستان

ادامه یابد. اما از زمان نشر این گزارش، مسیر نهایی واشنگتن در مورد سیاست افغانستان نامشخص مانده است، و این کار ممکن است شک دولت های منطقه را به اهداف نهایی آمریکا بیفزاید و در عین حال آمادگی های آنها برای وقوع بدترین سناریوها را افزایش دهد (طوریکه در ذیلا توضیح داده شده است). در ضمن، رئیس جمهور جو بایدن مدت هاست که از اهداف حداقلی سیاست در افغانستان طرفداری می کند. با تمایلات طولانی مدت امنیت ملی بایدن، و در عین حال مشکل ارزیابی تغییر ملموس در پارادایم های سیاست خارجی آمریکا و اروپا، این احتمال وجود دارد که مسیر کلی خروج آمریکا از افغانستان در میان مدت و دراز مدت ادامه یابد و با رفتن آمریکا، کشورهای اروپایی تحریک شده و یا ملزم به پیروی از آمریکا خواهند بود.

در حقیقت، تصدیق چندین مقام ارشد اروپایی حاکی از آن است که بی صبری در مورد افغانستان دو روی یک سکه را انعکاس میدهد: نه تنها اینکه خستگی مقامات و موثریت بسیار کم دولت افغانستان و پیشرفت آن در مبارزه با فساد، حقوق و توسعه سبب ناامیدی گردیده است، بلکه احساس خستگی گسترده تری در میان سیاستمداران منتخب و حوزه های انتخابیه آنها نیز وجود دارد. تعدادی از این مقامات اعتراف کرده اند که با وجود نگرانی های بشردوستانه و حقوق بشری دولت های اروپایی (و ترس از اینکه روند صلح راه انداخته شده آمریکا زمینه را برای وخامت هر دو فراهم کرده است)، برای این دولت ها دشوار خواهد بود که تخصیص مداوم سطح بالای کمک مالی را بشکل علنی بیان کنند. فراتر از نگرانی های لجستیکی و امنیتی مرتبط به تداوم مأموریت ناتو در افغانستان پس از خروج آمریکا، بسیاری از کمک کنندگان فعلی نیز دلایل سیاسی برای تمایل خروج شان از افغانستان دارند. در اواخر ماه مارچ ۲۰۲۱، پارلمان آلمان مدت قانونی برای شرکت در مأموریت ناتو در افغانستان را به مدت کمتر از یک سال تمدید کرد، و در حالی که برخی از مقامات ارشد اعلام کردند هنوز شرایط موجود برای خروج مناسب نیست، آنگلا مرکل طرح خود را منوط به اینکه آیا متحدان (منظور از متحدان آمریکا است) آن را ضروری می دانند، دانست.

قابل یادآوری است که سالها قبل از تلاشهای صلح به رهبری آمریکا و برنامه ریزی برای خروج، تعدادی از کشورهای نظامی کمک کننده قبلاً مأموریت شان را ترک، یا به میزان قابل ملاحظه ای کاهش داده بودند و یا هم منتظر تحت فشار آمدن آمریکا بودند.

۳- حامد شالیزی، "کابل گفتگوها بین طالبان و مخالفین دولت در مسکو را یک خیانت خوانده است" رویترز ۴ فبروری ۲۰۱۹.

مسئولیت های منطقی

طوری که در فوق توضیح داده شد، روند خروج باعث شده است که ناظران امور منطقوی افغانستان (و همچنان مقامات افغانستان) سوالات ذیل را مطرح کنند: چگونه کشورهای منطقه خلای امنیتی نیروهای آمریکا / ناتو را پر خواهند کرد، و چگونه پویایی و تنش های منطقوی موجود، سیاست و جنگ در کشور را شکل خواهد داد؟ دانشمندان و متخصصان منطقوی گفته اند که بی میلی گسترده ای در قسمت مداخله به مقیاس قابل مقایسه در دو دهه گذشته وجود دارد، اما علاقه مندی برای مدیریت نگرانی ها (مانند کنترل مرزها، مبارزه با تروریسم، توازن قدرت منطقوی) و به دست آوردن هرگونه مزایای احتمالی از شکل گیری دوباره روابط متقابل اقتصادی، نیز وجود دارد. این نگرانی ها و مزایا می تواند به عنوان اصول سازماندهی جمعی باشد مگر نیاز به ابتکارات جدید یا تغییرات سریع نظر به فهم عرفی دارد.

نظارت از مرز شمالی

منافع اصلی روسیه در افغانستان متمرکز بر جلوگیری از انتقال گروه های تروریستی فراملی به کشورهای آسیای میانه (و بعداً به روسیه) است. این دیدگاه، همراه با تاریخ خونین مداخله روسیه در قرن بیستم، از هرگونه احتمال تعهدات امنیتی متعارف این کشور در جنوب ایستگاه



دانشمندان و متخصصان منطقوی گفته اند که بی میلی گسترده ای در قسمت مداخله به مقیاس قابل مقایسه در دو دهه گذشته وجود دارد، اما علاقه مندی برای مدیریت نگرانی ها و به دست آوردن هرگونه مزایای احتمالی از شکل گیری دوباره روابط متقابل اقتصادی، نیز وجود دارد



استراتژی های جمع صفر در آسیای جنوبی

به طور مشابه به روسیه، اگرچه سیاست گذاران و تحلیلگران در هند تقریباً از هر جهت احتمالی، جنگ افغانستان و سیاست های آن در میان مدت هشدار می دهند، اما به نظر می رسد محدودیت های سختی برای کمک های امنیتی هند وجود دارد - که بسیار کمتر از حضور نیروهای

های فعلی آسیای میانه آن جلوگیری بعمل می آورد. در عوض، روسیه - که به نظر می رسد روی چندین سناریوی "بدترین حالت" یا بدبینانه برای آینده میان مدت افغانستان متمرکز شده است - به احتمال زیاد بر اشخاص پر نفوذ افغان در ولایات شمالی این کشور سرمایه گذاری خواهد کرد. در صورت کناره گیری بیشتر غرب و هرگونه بی ثباتی سیاسی، به جای انتظار برای مشخص شدن اینکه کی قدرت را در کابل به دست می گیرد، مسکو مطمئناً به دنبال ایجاد یک منطقه حائل دارای هزینه کم در امتداد مرزها تا حد ممکن خواهد بود. با این کار روسیه تلاش ویژه ای انجام خواهد داد تا در جوامعی که از طالبان یا سایر گروه های افراطی منطقوی حمایت کمتر صورت میگیرد، نفوذ ایجاد کند.

در عین زمان، روسیه به طور فزاینده ای با طالبان (هم از طریق تماس مستقیم و هم از طریق افزایش ارتباط با ایران و روابط نزدیک با پاکستان)، با تطبیق استراتژی کاهش خطر همچو کاهش عساکر ناتو در سال ۲۰۱۴ (جهت معلومات بیشتر بخش ذیل را ببینید) دخیل شده است. مشخص نیست که چگونه سیاست های کشورهای آسیای میانه تغییر خواهد کرد و در نهایت با اولین رویکرد امنیتی مورد حمایت مسکو مطابقت پیدا خواهد کرد، اگرچه عکس العمل اولیه این منطقه به کوید ۱۹ در این مورد اشاراتی را ارائه میکند. با گسترش جهانی این ویروس (به ویژه از مرکز ایران)، تاشکند و سایر پایتخت ها به سرعت و به طور کامل مرزهای خود را بسته کردند و اجازه حمل و نقل کالاهای اضطراری و ضروری را به افغانستان برای مدت بیش از یک ماه ندادند (مگر بعداً محدودیت ها را به دلیل فشارهای داخلی بر بخشهای زراعتی خودشان رفع کردند). در صورت وخیم شدن سریع اوضاع سیاسی یا امنیتی، مناطق مرزی شمالی به خوبی می توانند که عین محدودیت ها را تجربه کنند. اگرچه، خوش بینی ازبکستان در مورد روند صلح افغانستان، و تلاش های آن برای تسهیل آشتی صلح آمیز حتی در مرزهای خود، نشان دهنده دامنه همکاری هایی است که همسایگان شمالی محتملاً ارائه خواهند کرد.

داخلی خواهد بود. در عوض، دهلی نو تشریحاتی را برای متقاعد کردن قدرتهای غرب که در حال حاضر دولت افغانستان را برای حفظ ثبات و امنیت تقویت می کنند، آماده کرده است که خاصاً زمانیکه نیاز مداوم به یک رژیم ضد تروریسم منطقه ای دیده میشود، موثر بوده میتواند.



صرافان افغان گرد هم آمده اند که اسعار خارجی را در بازار اسعار تبادل کنند.
کاپی رایت: روبرتو/محمدشعید

وسیعاً به نظر می رسد نفوذ هند در افغانستان بدون توجه به واقع شدن سناریوی خاصی، کاهش خواهد یافت. در نتیجه، رویکرد این کشور در مورد افغانستان کمکی به ثبات در آینده نخواهد کرد و احتمالاً بیشتر به تفکر استراتژیکی طولانی مدت هند بستگی خواهد داشت که می خواهد تا حد ممکن از نفوذ و ظرفیت ضرر رساندن پاکستان مانع گردد. به همین ترتیب، به نظر می رسد پاکستان آماده است - بدون در نظر داشت ارزیابی نهایی خروج غرب و نتایج روند صلح افغانستان - سیاست هایی را در قبال افغانستان ادامه دهد که جدا از هدف همیشگی آنها یعنی جلوگیری از نفوذ هند نخواهد بود. موضعگیری که این هر دو کشور آسیای جنوبی معمولاً نسبت به نقش یکدیگر در امور افغانستان دارند، مسلم است که یک مانع اساسی برای یک رویکرد سازنده و کارآمد است که می تواند وسیعاً به ثبات منطقه کمک کند.

با خروج آمریکا، ایران وارد صحنه میشود؟

در یکی دو سال اخیر حدس و گمان های زیادی در مورد نفوذ ایران بر نیروهای احتمالی نیابتی این کشور در افغانستان متمرکز شده است،

مخصوصاً جنگجویان لشکر فاطمیون که به هدف جنگ برای رژیم متحد تهران در سوریه استخدام شده اند (اما شامل طالبان در قسمت جنوب غرب و برخی گروههای مسلح در شمال افغانستان نیز میگردد).

با این حال آخرین گزارش ها حاکی از آن است که جنگجویان فاطمیون در شبه نظامیانی که در جوامع قومی هزاره به وجود آمده اند غایب هستند، و تاریخچه مداخله ایران در افغانستان یکی از محدودیت ها و ملاحظه دقیق در مورد استفاده بیش از حد این کشور میباشد^۴. تحلیلگران و مقامات غربی در مورد هرات و حومه آن گفته اند که در گذشته در حوزه نفوذ ایران قرار داشته است، مگر محدودیت هایی وجود دارد. ایران تقریباً مسلم است که از شیعیان و اقوام تاجیک حمایت نموده، حتی در صورت لزوم از آنها محافظت کرده و تسلیحات نیز برایشان ارائه خواهد کرد. با این وجود شواهد اندکی وجود دارد که نشان دهد ایران در تلاش گسترش دامنه پروژه های خود را در افغانستان به اندازه ای باشد که در خاورمیانه این کار را بشکل نیابتی انجام داده است. این امر خصوصاً در صورت وخیم تر شدن وضعیت امنیتی در افغانستان بعید به نظر میرسد ایران خود را درگیر بحران کند در حالیکه تحت فشار حوادث سوریه، عراق، لبنان و جاهای دیگر قرار دارد.

اگرچه، به دلیل خروج آمریکا از افغانستان موضع ایران به عنوان یک کشور منطقه مهم خواهد بود، زیرا نقش بسیار بزرگ آمریکا در اقدامات امنیتی و ابتکارات دیپلماتیک در کابل، همیشه دشمن اش ایران را مجبور نموده است که از بیرون آنرا زیر نظر داشته باشد. ایران موافق به ایجاد یک رابطه کاری با دولت افغانستان شده و از موقعیت خوبی برای گسترش حمایت های خود تا زمانی که ثبات سیاسی به نفع تهران باشد، برخوردار است. این پویایی تا حدودی در موضع روسیه و چین در قبال افغانستان نیز انعکاس یافته است، در حالیکه کمتر مهم به نظر رسیده مگر چرخش خصمانه روابط آنها با آمریکا تأثیرات بسیاری کمی بر امور آسیای مرکزی و جنوب آسیا داشته است.

بعید به نظر می رسد که کشورهای منطقه مسئولیت کامل ثبات افغانستان را به عهده بگیرند - و به نظر می رسد که در عوض چالش های امنیتی در مناطق جغرافیایی محلی تحت نفوذ از طریق تلاش های کشورهای همسایه جدا از دلایل اصلی آن حل خواهند شد.

^۴ به نوشته سون انجیل راسموسن و احسان الله امیری در "افغانستان برای حالت بدتر آماده میشود در حالیکه عساکر آمریکایی خروج شان را تسریع میکنند" ژورنال وال استریت، ۱۹ نوامبر ۲۰۲۰: برای تاریخچه نوشته رضائی را در "ایدیولوژی و عمل گرایی در سیاست خارجی ایران" بینین ژورنال شرق میانه، جلد ۵۸، شماره ۴ (۲۰۰۴)، و بارنت روبین، "نگاهی جدید به روابط پیچیده ایران با طالبان" جنگ بر تخته سنگ هت، ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۰.

افزایش مهاجرین و تاثیرات آن

در مورد بعضی از عواقب بی ثباتی و حالات خراب در افغانستان بشمول مهاجرین افغان، پناهجویان و ازدیاد کارگران مهاجر همگرایی منافع وجود دارد. هرگونه اختلال در وضع موجود سیاسی یا بدتر شدن اوضاع جنگ می تواند موج گسترده ای از جابجایی را ایجاد کند که میتواند به سرتاسر منطقه در امتداد خطوط جغرافیایی جریان پیدا کند طوریکه مهاجران برای رسیدن به اروپا از این طریق سفر خواهند کرد. از این نظر، رویکردهای امنیتی افغانستان و منطقه با روابط اتحادیه اروپا و ترکیه و تنش های قبلی موجود بر سر تقسیم بار مهاجرین بطور جمعی (نه تنها از افغانستان) با هم وجه مشترک دارند. یکی از منافع اصلی پاکستان در ثبات افغانستان تأثیر احتمالی است که فضای وخیم امنیتی میتواند بر آوارگی مردم داشته باشد که عین موضوع در مورد ایران نیز صدق میکند. بناء، با وجود ترجیح هر دو قدرت برای خروج کامل آمریکا از منطقه، هر دو علناً مخالف خروج نظامی ناگهانی یا نسنجیده بوده اند. کشورهای کمک کننده اروپایی و سایر کشورهای ثروتمند ممکن سطح کمک شان به افغانستان را زیاد کاهش دهند در صورتیکه وضعیت امنیتی به بحران کشانیده شود و یک تعداد زیادی از مردم مهاجر و آواره گردند، در این حالت بودجه موجود به مهاجرین و برنامه های بهبود و رفاه در خارج از افغانستان تخصیص داده خواهد شد.

پروژه صلح و امتیازگیری؟

در حالی که به نظر می رسد کشورهای منطقه تمایل ندارند صریحاً به عنوان جانشین نقشی که آمریکا در حمایت از دولت افغانستان ایفا کرده است، موضع اختیار کنند، مگر بسیاری از آنها علاقه مند به ایفای نقش های برجسته در پیشبرد روند صلح هستند. مسکو مسیر جایگزین گفتگوی خود را برای نشان دادن دفاعش از روند تحت رهبری آمریکا تا حدود دو سال به کندی پیش برد، اما در اوایل سال ۲۰۲۱ طوری اظهار نمود که میخواهد پس از خروج آمریکا یک تسهیل کننده بین المللی به عنوان یک رهبر باشد. تاشکند نیز پیشنهاد میزبانی گفتگوهای صلح بین الافغانی را داده بود که اکنون توسط آمریکا (که شامل آلمان، ناروی، اندونیزیا و قطر میگردد و نقش های مختلف فرعی را بازی میکنند) از جمله "پنج تسهیل کننده" محسوب می گردد. اتحادیه اروپا تلاش کرده است تا خود را از ایالات متحده جدا ساخته و تفاوت های اروپا در پالیسی های صلح را نمایان سازد. با وجود پیچیدگی های به میان آمده، به نظر می رسد این امر گزینه های طویل المدت مدت تعامل اروپا با افغانستان را به میان آورده است (برای تفصیلات بیشتر، بخش بعدی را ببینید)

تمرکز بر گفتگوهای صلح انعکاس دهنده میزان تردید در سیاست بسیاری از کشورها در قبال افغانستان است. با پیش بینی های ممکن در مورد ترکیب و جهت گیری دولت آینده افغانستان، قدرت های خارجی به تعامل کوتاه مدت گرایش پیدا کرده اند. تقریباً در پاسخ به وابستگی منطقه به اقدامات آمریکا طی سال آینده، در حال حاضر تلاش های دیپلماتیک بر واقعاتی که در کوتاه مدت واقع میشوند، تاکید دارد.



سرباز آلمانی کاپی رایت: کولر

کاهش خطرات

نقش تعیین کننده آمریکا (و میزان عقب نشینی آن) مانع برنامه ریزی کشورهای منطقه و کمک کننده گردیده است. این کار تقریباً همه کشورهای خارجی دخیل را وادار کرده است تا از مواضع فعلی خود حفاظت کرده، در حالات احتمالی آینده از خود انعطاف پذیری نشان بدهند و از دارایی / گزینه های شان برای بهبود منافع یا کاهش خطرات استفاده کنند. دولت افغانستان نیز تاکنون چنین کاری را انجام داده است.

متنوع سازی پورتفولیو همکاری امنیتی کابل

اکثراً در سال ۲۰۱۹، زمانیکه آمریکا در حال مذاکرات دو جانبه با طالبان بود، اجماع مقامات کابل امکان هرگونه توافق معنادار بین حامی اصلی آنها آمریکا و دشمن وجودی آنها طالبان را رد کرد. وقتیکه مشخص گردید این مذاکرات در ماه فبروری سال ۲۰۲۰ به پایان رسیده و موافقتنامه در قطر به امضاء رسید، و از طرف دیگر مفاد این موافقتنامه وسیعاً برای دولت افغانستان نامطلوب ارزیابی گردید، حال و هوای بسیاری از مقامات در کابل از رد این توافقنامه به ابراز سردرگمی و احساس خیانت تبدیل گردید. سوال که فوری و آشکار به نظر میرسد عبارت است از: اگر آمریکا دیگر حامی یا متحد اصلی نباشد، کدام قدرت دیگر جای این کشور را خواهد گرفت؟ رهبری دولت افغانستان سعی نمود که این سوال را بشکل قناعت بخشی پاسخ بدهد، دولت افغانستان به دنبال دیپلوماسی چند قطبی منطقوی افتاد طوریکه به تمام کشورهای همسایه مراجعه نمود که میتوان آنرا نیز نوعی کاهش خطر دانست. با این وجود، دیپلوماسی تعامل تغییر یافته کابل تاکنون تغییرات چندانی در مواضع قدرت های منطقوی ایجاد نکرده است.

گمانه زنی در میان برخی از مقامات افغان، متمرکز بر این است که روسیه و / یا چین با توجه به مقیاس اقتصاد آنها (در مورد روسیه، حداقل بخش دفاعی آن) و سابقه کمک آنها به کشورهای دیگر در آینده تأمین کننده مالی برای توسعه و کمک های امنیتی خواهند بود. هر دو کشور به دلیل سیاست واقع گرایانه خود در مورد کمک های خارجی مشهور هستند که هیچکدام از مشروطیت ها یا معیارهای حکومتداری را که اتحادیه

اروپا و دیگر کشورهای غربی ادعا می کنند در سال های آینده سخت تر خواهد شد را دارا نمیشوند. با این وجود مسکو و بیجینگ هر دو تاکنون از خود حوصله قابل توجهی نشان داده اند، که در اکثر موارد از تعامل با کابل که ممکن آمریکا آن را مداخله فکر کند، خودداری نموده اند. این محدودیت به ویژه در مورد مسکو وقتی که اختلافات روسیه با دیگر شرکای نظامی آمریکا در مناطق جنگ (مانند نیروهای دموکراتیک سوریه به رهبری کردها) در تضاد قرار میگیرد، قابل توجه است.

در ضمن، در حالی که روسیه کمک های نظامی خود را قبلاً توسعه داده است، به کابل چندین محموله اسلحه اساسی هدیه داده است، اما بسیاری از نیروهای امنیتی افغانستان از اساسات نظامی آمریکا و ناتو الگو گرفته اند و از لحاظ لجیستیکی نیز وابسته به آنها هستند، تغییر تمام تجهیزات، تسلیحات، و حفظ و مراقبت آنها نیز یک کار نهایت مشکل خواهد بود^۵. کابل پس از دست دادن امید به حضور آمریکا یا ناتو، قطعاً به دنبال چنین تحول خواهد بود. مگر حوصله مسکو و بیجینگ با رفتار محافظتی آنها یکجا شده است. از آنجا که هر دو پایتخت تلاش آمریکا برای خروج از افغانستان را مشاهده کرده اند از اینرو هر یک تعامل دیپلوماتیک خود را با طالبان عمیق تر ساخته اند.^۶

“

سوال که فوری و آشکار به نظر میرسد عبارت است از: اگر آمریکا دیگر حامی یا متحد اصلی نباشد، کدام قدرت دیگر جای این کشور را خواهد گرفت؟

”

^۵ این پیچیدگی ها زمانیکه با ارزشترین عناصر استراتژیکی نیروهای امنیتی افغان را مورد مداخله قرار میدهند بسیار حائز اهمیت هستند: نیروهای هوایی آن و کدر نیروهای عملیات های خاص آن که از آمریکا و ناتو الگو گرفته اند (و به آنها وابسته هستند).

^۶ شایان ذکر است که یکی از موارد بحث برانگیز ادعای مسکو با طالبان در گزارش های سال ۲۰۲۰ آمده است که مأموران روسی به طالبان و سایر شورشیان کمک های نقدی برای از بین بردن سربازان آمریکایی پیشنهاد داده بودند، گزارش های بعدی عدم توافق نظر در مورد صحت این اتهامات را در جامعه اطلاعاتی غرب بیان کرد، و حتی در صورتیکه حقیقت داشته باشد، به نظر نمی رسد که این فعالیت به مقیاسی صورت گرفته باشد که باعث تغییر استراتژیک در پویایی جنگ گردد.

اسلام آباد در مورد نقش بارز خود در کشاندن طالبان به میز مذاکره با آمریکا در اوایل سال ۲۰۱۹ صحبت می کند. اگرچه، از آن زمان برای تحت فشار قرار دادن یا ترغیب آشوبگران برای کاهش خشونت در افغانستان، یا سازش در زمینه حکومتداری و تقسیم قدرت، بسیار کم کار کرده است. با توجه به اینکه پاکستان با تغییر در روابط مخفی خود با طالبان چه تأثیر بزرگی می تواند داشته باشد، مقامات افغان این کم تحرکی را مشکوک و خصومت آشکار می دانند. اگرچه، با دخیل شدن دیپلماتیک طالبان بیش از هر زمان دیگر، اسلام آباد کمتر از هر زمان دیگری خطر خراب شدن روابط اش با این گروه را متقبل خواهد شد، به ویژه اگر توجه به حالت های متعددی که در آن طالبان ممکن موقعیت سیاسی یا نظامی خود را بهبود ببخشند، صورت گیرد. اگرچه زمینه روابط پاکستان با جنگ های افغانستان خاص به نظر میرسد، اما ماهیت رویکرد حفاظت از این روابط کاملاً مشابه به اکثر همسایگان در منطقه است.



رئیس جمهور افغانستان اشرف غنی در جریان ملاقات با صدر اعظم پاکستان در کاخ ریاست جمهوری کابل. روبرو: محمد اسماعیل

به نظر می رسد که موضع اتحادیه اروپا در مورد جنبه های مهم تلاش های صلح و همچنین حمایت از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۹، خصوصاً برای رئیس جمهور غنی و دولت وی، تصور استقلال بیشتر سیاست خارجی اتحادیه اروپا را نسبت به چیزیکه است داده باشد.

همبستگی قوی اتحادیه اروپا با دولت افغانستان برخی از مقامات را در کابل تشویق کرده است مگر چندان نتایج ملموسی نداشته است. به اقدامات اولیه و پرس و جوهای افغانستان از فرماندهی ناتو و کشورهای اروپایی بشکل جداگانه، که خواهان ماموریت ناتو حتی در صورت خروج آمریکا نیز بودند، بشکل مبهم و گنگ پاسخ داده شد. یک سال

به نظر می رسد هر دو پایتخت تردید دارند که دولت فعلی افغانستان ممکن با وجود کاهش حمایت غرب خود را از این وضعیت نجات دهد و چندین سال است که به طور آشکار در مورد حالات خراب فضای امنیتی طویل المدت افغانستان صحبت میکنند. رفتارهای حفاظتی روسیه و چین حتی در تعیین سیاست های مرتبط به سال های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ نیز به نظر رسیده میتوانند. کاهش نیروهای آمریکایی از بیش از ۱۰۰ هزار سرباز یونیفورم به کمتر از ۲۰ هزار نشان دهنده خلأ ظرفیت در نیروهای افغان و آسیب پذیریهایی استراتژیک در موضع گیری کابل است. بلافاصله پس از آن، مسکو و بیجینگ اقدامات امنیتی مرزی را با همسایگان (یا ساحات کشورهای آسیای میانه تحت چتر امنیتی روسیه) تقویت کردند، که تا هنوز ثبوتی برای پیش بینی های بدبینانه اولیه است. انتظار میرفت که بیجینگ در دهه گذشته دامنه اقتصادی خود را به افغانستان گسترش دهد اما از این کار به طور پیشگیرانه یا جامع خودداری کرده است. فضای امنیتی که از سالها قبل برای سرمایه گذاری و ارتباط متقابل مناسب نبود، امروز حتی از اوضاع ناامید کننده تری (دلسرد کننده تری) برخوردار است.

ترک روابط دیپلماتیک

سایر کشورهای همسایه شروع به تغییر پالیسی هایشان در قبال افغانستان از طریق "ترک روابط دیپلماتیک" کرده اند، آنها برای حالات خراب قبل از معلوم شدن مسیر صلح و جنگ، آمادگی های خود را گرفته اند.

مقامات افغان بیشترین قسمت مشروعیت را که به طالبان توسط ارتباطات سطح بلند تقریباً تمام کشورهای منطقه (غیر از هندوستان) داده شده است را ارائه نموده است. پیام های گروه شورشی اطمینان آن را به عنوان یک "دولت در حالت انتظار" طی سال گذشته تأیید کرده است. در مورد تأثیر منفی طولانی مدت روابط هند، پاکستان و ترکیه با شرکای مخالف افغانستان کمتر اظهار نظر شده است. داشتن روابط با زورمندان به عوض نهادهای افغانستان، توانایی ایجاد بی ثباتی در نظم سیاسی فعلی را دارد و اعتماد به نفس را از بین می برد، این در حالی است که تیم مذاکره کننده جمهوری اسلامی در تلاش ایجاد وحدت در مذاکرات صلح و حمایت از مشروعیت بین المللی است. دهلی در مقایسه با ارتباط پاکستان با زورمندان منطقوی، در اواخر سال ۲۰۲۰ به چندین شخصیت از جمله معاون اول اسبق رئیس جمهور و مارشال رشید دوستم فعلی برای بازدید از هند دعوت بعمل آورده بود. هند با این روابط به دنبال توسعه و متنوع ساختن روابط قوی فعلی با امنیت ملی کابل و مقامات بلندپایه بشمول معاون اول رئیس جمهور آقای امرالله صالح است.

بعد از اینکه موافقتنامه بین طالبان و آمریکا به امضاء رسید، هیچ پیشنهاد مشخصی برای تقویت کمک‌ها (نظر به تمام دلایلی که در فوق ذکر گردیدند) ارائه نگردیده است. کنفرانس جینوا در ماه نوامبر گذشته حتی با افشای یک برنامه بزرگ آمریکا برای تشکیل یک کنفرانس بین‌المللی جهت ایجاد اجماع در مورد افغانستان، نشان داد که فقط حفظ حمایت مورد نیاز برای حفظ دولت افغانستان چالش برانگیز خواهد بود.

مشروطیت برای کاهش خطر

موضع اتحادیه اروپا شکلی دیگر از محافظت یا کاهش خطر را منعکس می‌سازد. بسیاری از بروکسل و پایتخت‌های سایر کشورهای اروپایی، صحبت‌های کمتری در مورد حالات فروپاشی دولت انجام داده‌اند تا نگرانی‌ها در مورد اینکه نتیجه مذاکرات صلح ممکن برگشت مجدد طالبان به قدرت به ضرر حقوق بشر یا شرایط بشردوستانه باشد را افزایش دهد. از زمان توافق آمریکا و طالبان، اتحادیه اروپا بیانیه‌های مختلفی را منتشر کرده است که شرایط سختی برای کمک به دولت افغانستان پس از صلح، استوار بر حقوق و آزادی‌های زنان و اقلیت‌ها و همچنین تعهد به داشتن دولت به مثابه نماینده شفاف را وضع کرده است. در مطالعه اولی، به نظر می‌رسد که این اظهارات حمایت چشمگیری از رئیس‌جمهور غنی و جمهوری اسلامی ارائه خواهند کرد و همین روال نیز تحولات در روند صلح پیشروی نیز انجام خواهد شد. با این حال، در برنامه ریزی‌های طویل‌المدت استراتژیک، این موضع به قدرت‌های اروپایی اجازه می‌دهد تا به راحتی از صحنه خارج شوند: در صورت این احتمال که طالبان، دولت فعلی افغانستان یا ائتلاف مشترک تقسیم قدرت در آینده نتوانند همه شرایط خود را برآورده کنند، اتحادیه اروپا یا هر یک از اعضای آن توجه کافی برای کاهش، یا حداقل متنوع سازی حمایت‌هایشان خواهند داشت.

در یک معنا، مواضع مشروط نشان دهنده عدم اطمینان عمومی در حال حاضر است، اما همچنان نگرانی‌های عمیقی که سیاست‌گذاران غربی در مورد مشروعیت بخشیدن و نقش آینده طالبان دارند را نیز نشان می‌دهد. اتحادیه اروپا تنها نیست. حتی در آمریکا که روند فعلی را پیش برده و سطح بین‌المللی طالبان را افزایش داده است، دولت ترامپ با انتقادات زیادی در مورد نحوه توسعه روابط با این گروه شورشی روبرو شده است. اعضای پرنفوذ کنگره آمریکا در مقابل ارائه کمک‌ها و همکاری به دولت آینده افغانستان که مشمول طالبان باشد از خود مقاومت نشان داده‌اند.

این تمرکز جدید بر مشروط بودن موارد برجسته‌ای را نشان می‌دهد که کدام کشورهای منطقه خواهان شرایط سخت در کدام نقاطی هستند که از زمان آغاز جدی تلاش‌های صلح مشخص شده است. اگرچه دهلی نو چیزی را به صراحت اعلام نکرده است، اما اگر طالبان به یک حزب غالب در دولت جدید افغانستان مبدل شوند، ادامه همکاری و پشتیبانی فعلی هند از کابل بعید به نظر خواهد رسید. اتحادیه اروپا شرایط خود را صریح عنوان کرد، و مجموعه‌ای از اصول و معیارهایی را مشخص کرد که هر دولت آینده افغانستان برای حفظ سطح فعلی کمک‌ها ملزم به رعایت آنها خواهد بود - با اقدامات خاص برای طالبان، در صورتیکه در دولت جدید دخیل باشند. از سوی دیگر، همانطوریکه فوقاً ذکر گردید، روسیه و چین به دلیل رویکرد کمتر مشروط برای کمک و توسعه بین‌المللی مشهور هستند. ایران با وجود تاریخ پیچیده‌اش با طالبان با آنها به یک تفاهم رسیده است. کشورهای آسیای میانه در بیشترین حد ممکن همکاری خواهند کرد در غیر آن از رهبری قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای پیروی خواهند کرد. شرایط پاکستان برای ارائه کمک در آینده و همکاری اقتصادی شفاف و کاملاً محسوس نیست، اما کمک‌های آنها به نفع هرگونه نقش نهادینه شده برای طالبان خواهد بود.

قبل از اعلام بایدن در مورد خروج نیروی‌های آمریکایی در ماه اپریل ۲۰۲۱، واقعیت این است که حوزه سیاست خارجی آمریکا در جریان انتقال قدرت ریاست جمهوری از خود نیز محافظت می‌کرد. به محض اینکه تیم انتقالی بایدن بر روی موضوعات سیاست خارجی تمرکز کرد، بسیاری از افراد داخلی خواستار انجام یک مأموریت ضد تروریستی پایدار شدند (و در نتیجه، حداقل تا اندازه‌ای حمایت مداوم از دولت فعلی در کابل). با این وجود، واشنگتن به اندازه سایر بازیگران خارجی قادر به حفاظت و کاهش خطر نخواهد بود. طالبان انتظار داشتند که آمریکا خروج نظامی‌اش را تا ماه می به پایان برساند و تقریباً اشتراک صادقانه آنها در هرگونه پروسه صلح در آینده‌های نزدیک محتمل به نظر نمی‌رسد. حتی تصمیم اداره بایدن در (۱) تلاش برای شروع مجدد روند توافق دوحه، (۲) ادامه اصرار بر متعهد باقی ماندن به شریک خود، دولت افغانستان، (۳) و امتناع از بیان صریح موضع خود در مورد عقب نشینی نظامی تا ماه می، نوعی از محافظت و کاهش خطرات است.

چهارچوب های کاری جدید؟

آنها در مذاکرات صلح چند جانبه در مسکو راجع به وضعیت افغانستان، در صورت به بن بست کشاندن یا ناکامی مذاکرات دوحه، یکی از بارزترین پیشنهادها است، اما این تنها نمونه چنین پیشنهادها نیست.

در حالی که توجه بسیاری از رسانه ها در ماه مارچ، بسوی پیشنهادات آمریکا برای تقویت مجدد روند صلح، از جمله دعوت از سازمان ملل برای میانجیگری در گفتگوهای دو طرف درگیر بود، چین مدت ها قبل، بدین باور بود که سازمان ملل به عنوان بازیگر آینده افغانستان میتواند، عمل نماید. در سال ۲۰۲۰ نمایندگان چین در شورای امنیت سازمان ملل متحد با توجه به تغییرات جاری در وضعیت امنیتی کشور، احتمال تجدید مأموریت کمک های سازمان ملل در افغانستان، و حتی کمک های نظامی آنرا مطرح نمودند. در حالی که این پیشنهاد در آن زمان کدام نتیجه نداشت، ولی احتمال دارد که مفهوم آن در جلسات آتی سازمان ملل متحد، خصوصاً در صورت وخیم شدن اوضاع، دوباره ظاهر شود. با توجه به موانع اجماع کشورهای منطقه برای اقدام جمعی در مورد افغانستان، و وضعیت اخیر عدم عملکرد میان ۵ عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل، نقش برجسته تری برای سازمان ملل در افغانستان

ساختارها و الگوهای رفتاری فوق الذکر، تغییرات مختلف در پویایی سیاسی و تلاش برای متوقف ساختن تصمیمات در مورد پالیسی جدید برای افغانستان، ضرورت فوری برای ایجاد و تعامل با چهارچوب های منطقه ای جدید برای گفتگو و همکاری را خاطر نشان میسازد.

با محدودیت های مشخص در مورد چگونگی حمایت ناتو و اتحادیه اروپا از افغانستان در صورت خروج آمریکا، شرکا باید مسیرهای جدید مبتکرانه را برای ارائه کمک بررسی کنند، شاید به طور مؤثرتر با مشارکت در گفتگوهای سه جانبه و چند جانبه با کشورهای همسایه و کابل، این کار امکان پذیر باشد. فرض کنید که ناتو بدون آمریکا، قادر به حضور در این کشور نیست. در این صورت، اتحادیه اروپا باید اهمیت حمایت و تشویق اصلاحات را در سکتور امنیت مدنظر گیرد. اتحادیه اروپا همیشه توانسته است از نظر تسلیحاتی مساعدت نظامی داشته باشد، به ناتو و کشورهای عضو آن اجازه می دهد تا با تلاش های نهادی جداگانه، ملاحظات استراتژیک امنیتی را برطرف کنند؛ تقسیم مسئولیت ها در صورتیکه درست سنجیده نشود، منجر به کاهش قابل توجه نفوذ غرب در کابل خواهد شد.

فرض کنید کشورهای اروپایی میخواهند که در بحران افغانستان و روند صلح برای حل آن نفوذ داشته باشند. در این صورت، آنها شاید نیاز داشته باشند، تا با کشاندن سیاست خویش در قبال افغانستان در روابط خود با کشورهای جنوب و آسیای مرکزی به روشی جدید و ابتکاری، این کار را انجام دهند. قبلاً، توسط بعضی از ناظران باتجربه توصیه شده بود، که افغانستان می تواند در روابط غرب با هند، پاکستان، ازبکستان، ترکیه و حتی روسیه، چین یا ایران نقش برجسته ای داشته باشد.^۷ با نگرانی های جمعی و تمایل مشترک به حفظ ثبات وضعیت موجود کشور در منطقه، امکان دارد کمک اتحادیه اروپا در تسهیل بحث های جدید که مدتهاست نظر به برداشت های سنتی تهدید و متوقف شده است، رفع گردد.

در غیر آن، واضح است که کشورهای دیگر مایل هستند به جلو گام گذاشته، و آینده افغانستان را نظریه منافع ملی خویش شکل دهند. دعوت روسیه از لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه و اعضای هیئت طالبان، و اشتراک



فرض کنید کشورهای اروپایی میخواهند که در بحران افغانستان و روند صلح برای حل آن نفوذ داشته باشند. در این صورت، آنها شاید نیاز داشته باشند، تا با کشاندن سیاست خویش در قبال افغانستان در روابط خود با کشورهای جنوب و آسیای مرکزی به روشی جدید و ابتکاری، این کار را انجام دهند.



۷ اگرچه پیشنهادات مقاله متمرکز به رویکرد دیپلماتیک آمریکا است برای طرح کلی مفید از یک چهارچوب منطقوی احتمالی نوشته بارت روبن "تنها یک گزینه وجود دارد و آن هم خروج از افغانستان است" را ببینید. وزارت امور خارجه، ۹ دسمبر ۲۰۲۰.

هنوز معامله اتحادیه اروپا و ترکیه در مورد افغانستان به نحوه قابل توجهی پیش نرفته است. با این حال، در صورت تداوم خروج غرب، امور افغانستان فقط به روابط ترکیه و اروپا مربوط خواهد شد. رویکرد ترتیب شده دیپلماتیک برای رسیدگی به بحران پناهجویان سوریه در کشورهای اروپایی احتمالاً در صورت بیجا شدن گسترده مردم به بیرون از افغانستان، با محتوای مشابه درمورد افغانستان نیز مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

معامله اتحادیه اروپا با چین در مورد افغانستان، با توجه به خلای بین رویکرد کلی آنها در سیاست خارجی و بخصوص، با توجه به نگرانی های اروپا در مورد آینده حقوق بشر در افغانستان، حتی ممکن است دورتر از تبادله موثر با روسیه باشد. با این حال، اتحادیه اروپا ثابت کرده است که تمایل دارد و می تواند روابط خود را با چین به روش های جدید مبتکرانه، حتی طی چند ماه گذشته، شکل دهد.



هشتمین نشست وزیران خارجه پروسه "استانبول - قلب آسیا" دسامبر ۲۰۱۹. منبع: Hoa.gov.af

دشواریترین چالش ممکن است عبارت از دلسرد کردن کشورهای منطقه از پیگیری رویکرد معضل زندانیان در مورد تأثیر افغانستان بر امنیت منطقه باشد. همسایگان و همسایگان نزدیک احتمالاً ثبات مناطق جغرافیایی نزدیک مرزهای خود را حتی به قیمت حفظ حکومت مرکزی افغانستان در اولویت قرار دهند. این واضح نیست که آیا آمریکا، اتحادیه اروپا یا هر گروه از کشورهای مربوطه می توانند همسایگان را ترغیب کنند تا نگرانی های امنیتی اول خویش را به نفع حفظ ثبات پایدار - چه در داخل افغانستان و چه در بین کشورهای منطقه - به تعویق بیندازند.

ظاهراً مناسب به نظر می رسد - اما مشکل است که این تصور عملی شود. احتمالاً، بیشتر اصرار چینی ها این است که کمک های آینده سازمان ملل به افغانستان صراحتاً ابتکار عمل کمربند و جاده خود را تأیید کنند، که این یک تقاضای چندین ساله است.

به طور خاص، اتحادیه اروپا ممکن است بتواند با آن قدرت های منطقوی که روابط شان با آمریکا در چند سال گذشته بیش از حد خصمانه شده است، گفتگو را آغاز کند، تا واقعاً تغییرات واقعی در اوضاع افغانستان به میان آید. بعنوان پرچالش ترین مثال، حضور کشورهای اروپایی، در هر نوع مذاکره غربی با ایران درباره آینده این کشور و اوضاع در حال توسعه منطقه، میتواند ضروری باشد. در این مرحله هیچ برنامه تهیه شده از قبل وجود ندارد. با این حال، نقش اروپا در زنده نگه داشتن پلان جامع اقدام مشترک (JCPOA) و توانایی آن در تسهیل تعامل دیپلماتیک با ایالات متحده در این جبهه، می تواند اجزای سازنده گفتگوهای اولیه در مورد افغانستان باشد.

در مراحل بعدی روند صلح افغانستان، یا در صورت متزلزل شدن به علت خروج آمریکا، اتحادیه اروپا برای تعامل با روسیه در شرایط خوبی قرار خواهد گرفت - که قبلاً نیز به تمایل برای هر گام بسوی "خلای صلح" اشاره کرده است. چند مورد عملی امکان پذیر برای همکاری مشخص وجود دارد، و گفتگوهای اساسی دو جانبه در مورد موضوع مانند افغانستان سابقه چندانی در روابط اتحادیه اروپا و روسیه ندارد. با این حال، مقامات و ناظران تصور تعامل اروپا و روسیه در مورد افغانستان را غیرممکن نمی دانند (در غیر آن این موضوع، در مقایسه با بحث های مسکو با کشورهای منطقه بی نظیر است).

به عنوان یک قدرت نسبتاً بیطرف، در تنش های تاریخی بین هند و پاکستان، و با توانایی کمک به پروژه های بزرگ زیربنایی، مدیریت منابع و ارتباطی، اتحادیه اروپا می تواند روابط - غیر صفر در جنوب آسیا را تشویق کند. روابط دوجانبه اتحادیه اروپا که از قبل وجود داشته است، در حال حاضر بر افغانستان تمرکز دارد، و حمایت از آن امکان دارد که افزایش یابد. این امر به طور غیرمستقیم حالت احتمالی آینده افغانستان را تثبیت می کند.

کشورهای آسیای میانه نیز قبلاً بوسیله اتحادیه اروپا به بطور دو جانبه مصروف گفتگوهای اند، که سرنوشت افغانستان را نیز دربرمیگیرد. حمایت و همکاری اتحادیه اروپا می تواند به عنوان محور مفید برای وارد کردن آسیای مرکزی به چارچوبی منطقوی که منافع مختلف همسایگان را تضمین می کند، عمل نماید.

نظریات و پیشنهادات برای پالیسی سازان اروپایی



دریای واخان. کاپی رایت: ماکالو

- اتحادیه اروپا نسبت به آمریکا، درمورد دولت افغانستان یا طالبان از نفوذ سیاسی کمتری برخوردار است، همچنین از بار سیاسی رو به افزایش که واشنگتن از زمان آغاز تلاش های صلح، جمع آوری نموده نیز آزاد است. کشورهای عضو اتحادیه اروپا باید به توافق داخلی برسند و سرمایه دیپلماتیک کافی را برای ایجاد قدرت نفوذ قابل توجهی در سیاست افغانستان میان کشورهای منطقه در تعاملات دو، سه و چند جانبه قبلی خود اختصاص دهند.
 - صرف نظر از تفاوت بین رویکرد های مترادف آنها، روابط اتحادیه اروپا با آمریکا در مورد افغانستان بسیار کارآمد و موثر خواهد بود، اگر آمریکا یک ارتباط باز و با اهداف مشترک را با متحدان اروپایی برقرار داشته باشد. واشنگتن باید بیش از همه به پیام همبستگی خود با آنطرف اوقیانوس اطلس متعهد باشد.
 - اظهارات علنی روسیه در مورد افغانستان در اوایل سال ۲۰۲۱، و چشم انداز احیای گفتگوهای جداطلبانه مسکو، تذکر دهنده آنست که کشورهای منطقه، از طریق اصل "منتظر باش و ببین"، تا حد زیادی از ایجاد موانع در راه تلاش های صلح به رهبری آمریکا خودداری کرده اند. اتحادیه اروپا باید همسایگان افغانستان را تشویق کند، تا زمانی که تلاش های بین المللی برای حمایت از یک افغانستان صلح آمیز و یکپارچه ادامه دارد، به کمک های خویش ادامه دهند.
- این فراخوان همسایگان برای "آسیب نرساندن" باید شامل عدم تعامل دیپلماتیک جدا با دست اندرکاران افغان باشد. کشورهای که به دنبال ارتباط وسیع سیاسی با بازیگران افغان هستند باید در عوض با ارگان های دولت افغانستان مانند

شورای عالی مصالحه ملی که بسیاری از شخصیت های مختلف سیاسی در آن شرکت می کنند، در تعامل باشند.

- یک استثناء قابل توجه، فراخوان تقریباً جهانی، از طرف افغانها و طرفداران بین المللی است، که پاکستان باید برای تحت فشار قرار دادن طالبان برای پذیرفتن جدی مصالحه، و پایان دادن به خشونت ها، قاطعانه عمل کند. اتحادیه اروپا باید از وضعیت شریک تجاری اصلی خود با اسلام آباد بعنوان هرم سیاسی ایجاد تغییر در روند صلح افغانستان استفاده کند. این می تواند تلاش های آمریکا و انگلیس را افزایش دهد، حتی عملاً، به تامین دوباره ارتباط اتحادیه اروپا-آمریکا درمورد صلح افغانستان، کمک کند.
 - اتحادیه اروپا باید به سرعت در مورد پیشنهادات مبتکرانه ایالات متحده برای یک کنفرانس بین المللی و توافق بر سر دولت مؤقت برای پیشبرد سریع صلح افغانستان، به یک اجماع داخلی برسد. مشروط گذاشتن کمک های آینده که اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۰ پلان کرد، ممکن است خیلی زودتر از آنچه که پیش بینی شده است، از سوی کشورهای عضو مورد آزمایش قرار گیرد.
 - اتحادیه اروپا می تواند نقش منحصر خویش را بعنوان میانجی گفتگو در شرایط مختلفی داشته باشد که کشورهای همسایه و منطقه ای برای حمایت از افغانستان پیشنهاد کرده اند، ایفا نماید. اگر عدم وضاحت، در کمک های خارجی یکی از عواملی باشد که بر مشروعیت دولت افغانستان تأثیر منفی می گذارد، اتحادیه اروپا می تواند گفتگوهای بین المللی را تشویق کند و شفافیت بیشتری را تضمین نماید - و حتی در این زمینه زبان بین المللی را برای مشروعیت، هماهنگ سازد.
- موافقتنامه دوحه بین آمریکا و طالبان می تواند بعنوان وسیله ای برای نگرانی ها و شرایط ضد تروریزم بسیاری از کشورها عمل نماید، اما از نگاه حقوق بشر، حاکمیت، مسائل مربوط به مهاجران و موارد دیگر ناقص به نظر میرسد. آیا چهارچوب های کاری دیگری وجود دارد که شرایط مشترک منطقوی را با هم یکجا نماید؟
- اتحادیه اروپا از یک پروسه صلح "تحت مالکیت افغان ها، به رهبری افغانستان" حمایت کرده است، که در مراحل مختلف با رویکرد ایالات متحده برای صلح در تقابل است. اتحادیه اروپا باید با کمک به ادغام بیشتر صدای افغانها در گفتگوهای بین المللی و تعامل دیپلماتیک که در سال (های) آینده صورت می گیرد، حمایت بیشتری کند.
 - در سطح ملی، اتحادیه اروپا می تواند حمایت خود را از ایجاد صلح پایدار افغانستان، بیشتر سازد. میزان و وسعت کمک های مالی انکشافی آن به اتصال این ابتکارات با تلاش های بین المللی کمک می کند.

منابع

تیمور شاران و اندریو واتکینز

افغانستان پس از ۲۰۲۱ م: تهاجم بر آرزوها و جاه طلبی منطقه‌های چین و یا چالشهای امنیتی؟ / تیمور شاران و اندریو واتکینز - [کابل]: بنیاد فریدریش ایبرت در افغانستان، ۲۰۲۱ - ۵ صفحه = ۱.۳ ام بی (پی دی اف)، - (خلاصه پالیسی) ویرایش الکترونیکی : کابل : اف ای اس ۲۰۲۱

[لینک دانلود نمودن نشریه](#)

تیمور شاران، اندریو واتکینز،

میانجی ایجاد صلح؟ نقش و اهمیت ترکیه در روند صلح افغانستان. / تیمور شاران، اندریو واتکینز- [کابل]: بنیاد فریدریش ایبرت در افغانستان، ۲۰۲۱ - ۵ صفحه = ۱.۳ ام بی (پی دی اف)، - (خلاصه پالیسی) ویرایش الکترونیکی : کابل : اف ای اس ۲۰۲۱

[لینک دانلود نمودن نشریه](#)

تیمور شاران و اندریو واتکینز

همه در موقف شرقی خود، خون سرد هستند رابطه متحول ایران با افغانستان در حال گذار، / تیمور شاران، اندریو واتکینز- [کابل]: بنیاد فریدریش ایبرت در افغانستان، ۲۰۲۱ - ۴ صفحه = ۴.۶ ام بی (پی دی اف)، - (خلاصه پالیسی) ویرایش الکترونیکی : کابل : اف ای اس ۲۰۲۱

[لینک دانلود نمودن نشریه](#)

تیمور شاران و اندریو واتکینز

ثبات و اتصال: استراتژی دوگانه ازبکستان در قبال افغانستان. / تیمور شاران، اندریو واتکینز- [کابل]: بنیاد فریدریش ایبرت در افغانستان، ۲۰۲۱ - ۴ صفحه = ۴.۶ ام بی (پی دی اف)، - (خلاصه پالیسی) ویرایش الکترونیکی : کابل : اف ای اس ۲۰۲۱

[لینک دانلود نمودن نشریه](#)

تیمور شاران و اندریو واتکینز

یک روش جدید؟ اروپا، هندوستان و افغانستان پس از سال ۲۰۲۱ م. / تیمور شاران، اندریو واتکینز- [کابل]: بنیاد فریدریش ایبرت در افغانستان، ۲۰۲۱ - ۵ صفحه = ۱.۵ ام بی (پی دی اف)، - (خلاصه پالیسی) ویرایش الکترونیکی : کابل : اف ای اس ۲۰۲۱

[لینک دانلود نمودن نشریه](#)

تیمور شاران و اندریو واتکینز

همسایگان در وضعیت جدید عادی؟ پاکستان و افغانستان پس از ۲۰۲۱ م. / تیمور شاران، اندریو واتکینز- [کابل]: بنیاد فریدریش ایبرت در افغانستان، ۲۰۲۱ - ۵ صفحه = ۶ ام بی (پی دی اف)، - (خلاصه پالیسی) ویرایش الکترونیکی : کابل : اف ای اس ۲۰۲۱

[لینک دانلود نمودن نشریه](#)

تیمور شاران و اندریو واتکینز

نشست؟ روسیه، افغانستان و اروپا. / تیمور شاران، اندریو واتکینز- [کابل]: بنیاد فریدریش ایبرت در افغانستان، ۲۰۲۱ - ۴ صفحه = ۵ ام بی (پی دی اف)، - (خلاصه پالیسی) ویرایش الکترونیکی : کابل : اف ای اس ۲۰۲۱

[لینک دانلود نمودن نشریه](#)

تیمور شاران و اندریو واتکینز

فعالیت و حضور اتحادیه اروپا در افغانستان بعد از سال ۲۰۲۱ م عدم اطمینان، عمل گرایی و ادامه همکاری. / تیمور شاران، اندریو واتکینز- [کابل]: بنیاد فریدریش ایبرت در افغانستان، ۲۰۲۱ - ۵ صفحه = ۳.۵ ام بی (پی دی اف)، - (خلاصه پالیسی) ویرایش الکترونیکی : کابل : اف ای اس ۲۰۲۱

[لینک دانلود نمودن نشریه](#)

تیمور شاران و اندریو واتکینز

افغانستان و روابط فرااتلانتیک آینده همکاری های ایالات متحده و اتحادیه اروپا. / تیمور شاران و اندریو واتکینز - [کابل]: بنیاد فریدریش ایبرت در افغانستان، ۲۰۲۱ - ۵ صفحه = ۷ ام بی (پی دی اف)، - (خلاصه پالیسی) ویرایش الکترونیکی : کابل : اف ای اس ۲۰۲۱

[لینک دانلود نمودن نشریه](#)

معلومات در مورد مؤلف:

اندريو واتکينز یک محقق و تحلیلگر جنگ و چشم اندازهای صلح افغانستان است و عمیقاً مصروف جلوگیری از جنگ است. او در گذشته برای سازمان ملل در افغانستان، جامعه بشردوستانه، دولت آمریکا و منیچث یک محقق مستقل کار کرده است.

داکتر تیمور شاران رئیس پالیسی لب (Policy Lab) افغانستان است و استاد پالیسی عامه در پوهنتون آمریکایی افغانستان است، او قبلاً تحلیل گر ارشد در امور افغانستان برای گروه بین المللی بحران بوده است.

در مورد عکس روی جلد: اطفال در دامنه شهر فوتبال بازی میکنند، هرات، جولای ۲۰۱۴، FES، عارف کریمی

چاپ

کپی رایت: ۲۰۲۱ بنیاد فریدریش ایبرت
FES افغانستان

وبسایت: www.afghanistan.fes.de

شخص مسئول:

داکتر مگدالینا کرچنر / نماینده مقیم

فرمایش نشر:

info@fes-afghanistan.org

استفاده تجارتي از تمام نشریات بنیاد فریدریش-ایبرت بدون کسب موافقه کتبی این بنیاد ممنوع است.

نظریات ارائه شده در این نشریه لزوماً نظریات بنیاد فریدریش-ایبرت نمیشوند.

فریدریش-ایبرت قدیمی ترین بنیاد سیاسی در کشور آلمان است. این بنیاد به نام اولین رئیس جمهور منتخب آلمان یعنی فریدریش-ایبرت میباشد. این بنیاد از ۲۰۰۲ بدین سو در همکاری با موسسات داخلی در افغانستان کار نموده است. هدف از برنامه های این بنیاد عبارت از تقویت نهادهای دموکراتیک محلی و ملی، افزایش مشارکت سیاسی جوانان، تقویت توانمندسازی زنان، برابری جنسیتی و همکاری منطقه ای برای صلح و انکشاف میباشد.